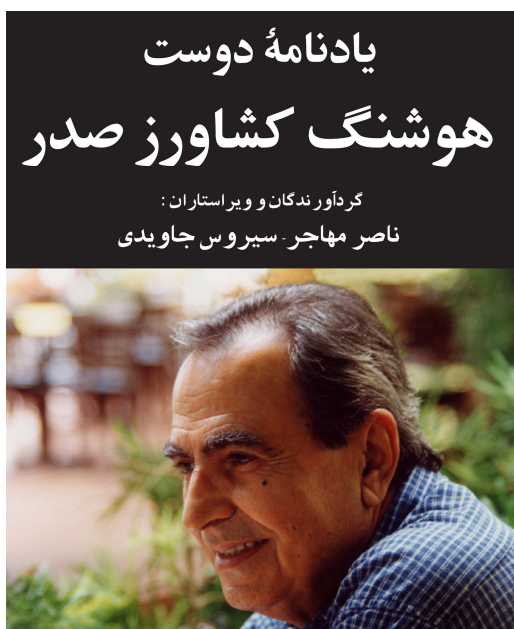


معرفی کتاب "یادنامه دوست هوشنگ کشاورز صدر"



زندگینامه چندصدایی

معرفی کتاب

«یادنامه دوست

هوشنگ کشاورز صدر»

گردآورندگان و ویراستاران: ناصر مهاجر و سیروس جاویدی

۷۷۵ صفحه

۲۰۲۰، سوئد

رامین کامران

اشخاص کم شماری این بخت را دارند که شناختن خودشان، شناخت قدرشان را در پی بیاورد. امیر هوشنگ کشاورز صدر یکی از این کم شماران بود و راهی که دوستانش برای قدرشناسی از وی گزیده اند، همین شناساندنش به دیگران است. گفته اند که بود و چه کرد و همین کافیست. کتاب



حجیم و پرمحتوا و منتظم «یادنامه دوست» که اخیراً در سوئد منتشر گشته، حاصل چشمگیر زحمت چند ساله آنهاست.

قبل از پرداختن به محتوا، جا دارد که روی پاکیزگی کم مانند کار، تأکید بکنم. حروفچینی شکیل، صفحه بندی خوش ترکیب، صحافی درجه اول، فهرست اعلام، دقت در ضبط کلمات غیر فارسی، توجه به زمان بندی، گزینش عکسها و مهمتر از آن، معرفی تمامی کسانی که در هر عکس دیده میشوند، هر کدام در جای خود شایسته تحسین است. چنین توانایی و وسواسی که در شکل و محتوای کتاب — هر دو — دیده میشود، دستکم گرفتنی نیست.

و اما محتوای کتاب که اصل است و هم این زحمات در خدمت آن است.

کتاب کلاً از چهار قسمت اصلی تشکیل شده است. بخش اول به شرح سوانح حیات کشاورز صدر اختصاص دارد؛ دانشگاه و جنبش دانشجویی، در کشاکش انقلاب، تبعید. بخش دوم گزیده هایی از نوشته های کشاورز صدر را در بر میگیرد. بخش سوم نظرات دیگران را در بار کارهای وی در خود جا داده است. بخش چهارم تکمله ایست برای معرفی مؤسس مطالعات و تحقیقات اجتماعی و مرکز پژوهشهای ایرانی که محل تمرکز کوششهای پژوهشی کشاورز صدر در ایران و در تبعید بوده است. علاوه بر اینها، تعداد زیادی عکس سیاه و سفید و رنگی هم هست که با دقت انتخاب شده و با کیفیت خوب در کتاب آمده است.

وقتی صحبت از شناساندن کسی به دیگران باشد، یک سؤال ساده و کلاسیک مطرح میگردد: چگونه؟ پاسخ معمول هم این است: با نگارش زندگینامه اش. آقایان سیروس جاویدی و ناصر مهاجر، با تدوین این کتاب، به روش خویش به این پرسش پاسخ گفته اند. آنچه دو گردآورنده در این مجموعه جا داده اند، زندگینامه به معنای معمول نیست، چون کفش در یک چارچوب روایی واحد جا نگرفته است، گردآوری مصالحیست که معمولاً برای نگارش زندگینامه مورد استفاده قرار میگیرد. کتاب البته بخشهای روایی دارد، روایتی چندصدایی، ولی علاوه بر این، هم نظم زمانی دارد و هم مفهومی که لازم هر زندگینامه ایست.

اول از همه بگویم که گاهشمار کتاب و یادآوری بجای تاریخ وقایع، مهره بندی زمانی کتاب را تشکیل میدهد و نمیکذارد سررشت ترتیب آنها، از دست خواننده بیرون برود. گفته های خانم زریون کشاورز که روایی ترین قسمت کتاب است، بسیار ذیقیمت است، اطلاعات بسیاری به خواننده میدهد و حیاتی را در آن میدمد که از صرف ردگیری وقایع

برنمایید و کشاورز صدر را آنچنانکه در زندگانی خصوصی و در معرض دید گروه کوچکی بود، به ما می‌شناساند. ولی این تنها بخش روایی کتاب نیست. رد روایت در بسیاری از بخشهای کتاب دیده میشود.

اما نکته اینجاست که هیچ زندگینامه‌ای، هر قدر هم روایی باشد، روایت یکدست سوانح حیات کسی نیست. آنچه به حیات هر کس معنی میدهد و سزاوار ثبوت و ضبطش می‌سازد، این است که چه ها دیده و بخصوص چه ها کرده. دو خط مفهومی که زندگانی کشاورز صدر را، از سر تا به ته، شکل داده است سیاست است و علم. معنای زندگانی وی را باید در این دو حوزه جست و اصل زندگینامه^۱ او، باید این دو خط منطقی را که طی حیات وی در هم تنیده بود، طی بکند. نظم اصلی «یاد دوست» در اینجا واقع شده و به روشنی هم نمایان است.

در مورد شخصیت وی، همگان در استقلال رأی، مناعت طبع، گذشت، سخاوت، مداراگری، استغناء، پافشاری بر اصول، شجاعت، تن زدن از زور گفتن و زور شنیدن و بخصوص مهر به ایران و مردمش همسخن هستند. ممکن است سخنان به نظر تکراری بیاید که نیست چون هرکدام رنگ و بوی خود را دارد. به هر صورت، آنچه مهم است، درست بودن آنهاست. تا کشاورز صدر حیات هم داشت، از دور و نزدیک، جز همینها در توصیف وی نشنیده بودیم و پژواک همان سخنان که پس از مرگش نیز دوام کرده، در اینجا ثبت شده است. طبعاً سوگ از دست دادن او، همه جا در نوشته های کسانی که وی را از نزدیک می‌شناخته اند، خود نشان میدهد.

در مورد کار های سیاسی، از شروع فعالیت در سازمان جوانان حزب توده و مشکلاتی که برای وی پیش آورده، فقط یادی هست. مطالب متمرکز است بر فعالیت دوران دانشجویی در خط ملی و سپس انقلاب اسلامی و بعد هم تبعید. خط سیر، چنانکه انتظار میرود، با شرح دستگیری ها و زندان رفتن ها نقطه چین شده است.

در مورد کار علمی کشاورز صدر، که متمرکز بوده است بر مردم شناسی عشایری، نمونه هایی کوتاه از آنها در کتاب آمده است و در ارزیابی همکاران و صاحب نظران، بر پیشتازی، وسواس و پشتکار به رغم برخوردار نبودن از وسایل کافی و البته حاصل ارزشمند پژوهشها تأکید شده. وی طی سالها تمامی ایران را درنوردیده و همین مایه^۲ استحکام هر چه بیشتر پیوندش با این آب و خاک و ساکنانش گشته است. این پژوهشها، جزئی است از بخش اول تاریخ مردمشناسی ایرانی: پایه ریزی رشته و اولین پژوهشهایی که در چارچوب آن، انجام گرفته است.

هر زندگینامه، به پرسشهایی پاسخ میگوید و پرسشهای جدیدی را مطرح میکند، یاد دوست نیز همینطور. برای خود من یک پرسش به ظاهر کوچک مطرح شد که دنباله اش مرا به راه دوری برد: چطور کسی که اینهمه خوی شهری داشته و این اندازه پابند دوستی ها و محافل روشنفکری بوده و در عین حال، زندگانی بدون سیاست برایش معنایی نداشته و فعالیت سیاسیش هم در شهر ها و بخصوص پایتخت جریان داشته است، کانون کار پژوهشی اش را که با جان و دل به آن میپرداخته، به کلی دور از هر مرکز شهری قرار داده است؟

توجه به مردم محروم مناطق دوراftاد کشور، حتماً انگیز این کار بوده است. مردمی که به تناسب طبقات محروم شهری، بسیار کم از آنها سخن رفته است و بهبود وضعشان محور برنامه هیچ گروه و حزب سیاسی نبوده. اگر دولت برای این مردم کاری کرده که بسیار کم کرده، از آنها بیشتر در لباسهای محلی، برای نمایشهای فصلی ابراز وفاداری به حکومت استفاده کرده است. از این گذشته، فعالان سیاسی مختلف نیز کمتر به آنها پرداخته اند و این مردمی که از دیده دور بوده اند، از دل هم دور مانده اند. ولی این هم جواب نیست. مردم محروم در همه جا یافت میشوند، چرا کشاورز صدر اینها را برگزیده؟

میگویند و احتمالاً درست هم میگویند که مردم مهمترین انتخابهای زندگانی خود را در حول و حوش بیست سالگی انجام میدهند، در دورانی که حتماً از بیشترین دانش و تجربه برای این عمل برخوردار نیستند و در موقعیتی هم نیستند که بتوانند تمامی پیامدهای انتخابشان را در نظر بیاورند. کشاورز صدر هم از این حکم مستثنی به نظر نمیاید.

به تصور من، اتفاق سرنوشت ساز حیات کشاورز صدر، بریدنش از حزب توده و رفتن به طرف نهضت ملی است که بعد از بیست و هشت مرداد واقع شده است و در عنفوان جوانی. ولی تا آنجا که به نظر میاید، توجهی را که باید جلب نکرده است، احتمالاً به این دلیل که در ابتدای عمر سیاسی وی واقع گشته. از آنجا که بیشترین و شاخصترین بخش فعالیتهای سیاسی او، بعد از این برش واقع شده، به فصل اول کار چندان اهمیتی داده نشده است و فقط دالان ورودی به حساب آمده است. البته اینرا نیز باید اضافه کرد که هر چه از آن دوران دورتر بشویم، چنین کاری نه فقط مقبول تر که طبیعی تر و منطقی تر به نظر میاید و از آنجا که کلاً درست شمرده میشود، سؤالی برنمیانگیزد. من در بار انگیز این حدسی ندارم که بزمن و اصلاً تصور میکنم که پیامدهای آن که پر دامنه است، از انگیزه اش بسیار مهمتر است.

شاید بتوان توجه به عشایر و روستائیان را تابعی از بریدن کشاورز صدر از تئوری های مارکسیستی و گفتار معمول چپگرا و بیانگر گرایش به نهضت ملی شمرد. گویی وی با این کار، گروه محرومان خویش را برگزیده، تا بتواند خارج از گفتار عدالت طلب معمول که به آن عنایتی نداشته است، و به رغم نزدیکی و دوستیش با چهره های شاخص جریان مارکسیستی، به ترتیبی که خود مایل بوده به کارش بپردازد. از مارکسیسم و چپگرایی رایج بریده، ولی به محرومان دلبسته مانده و خود را از راه پر ترددی که بسیار از دوستانش در آن قدم میزده اند، به کنار کشیده. طبقاً کارگر شهرنشین را به مارکسیستها واگذاشته و خود به سراغ عشایر رفته است. کماکان به محرومان پرداخته، ولی نه به عنوان طبقه، به عنوان جزئی از ملت ایران.

در حقیقت، توجه وی، از بدو فعالیت سیاسی، اساساً به طبقات محروم، معطوف مانده، ولی از قالبی به قالب دیگر رفته است. قالبی که آزادی فکر و عملش را مانع نشود و نگذارد که الگوهای پیش ساختن ایدئولوژیک، نگاهش را به واقعیت مخدوش سازد - نوعی سختگیری علمی و در عین حال، اخلاقی. وجه نظری کار تغییر کرده، ولی از بابت عاطفی، تغییری در مشی وی پیدا نشده و احتمالاً همین باعث گشته که روابط حسنه اش با چپگرایان طی تمامی عمر دوام بکند. همه از حسن خلق او میگویند و راست هم میگویند. باید مهربانش خواند، نه به معنای کسی که با دیگران ملاطفت میکند، بل کسی که ترازوی تصمیمات مهم زندگیش، مهر بوده.

این بستگی دوگانه چپی - ملی که از نظر سیاسی عجیب مینماید، بیش از آنکه به جایگزینی یکی با دیگری بیانجامد، هر دو را در عرض هم جا داده و در حیات سیاسی و علمی او تعادلی خاص خودش ایجاد کرده که بسیار بدان پابند مانده و ظاهراً هیچگاه تمایلی به برهم زدنش نداشته است. ما معمولاً عادت داریم که در زمینه سیاست، وجه فکری کار را بر وجه عاطفی آن مقدم بدانیم، وجه نظری و انتزاعی را بر وجه ملموس کار و وجه عقیدتی را بر جنبه معاشرتی اش و در نهایت تضاد را با ثبات مغایر بشمریم. به نظر میاید که در مورد کشاورز صدر، وجوه عاطفی و ملموس و معاشرتی سنگینتر از معمول بوده است و ثبات و تضاد نیز در آن همنشین گشته. شخصیتی ممتاز و استوار که به راه سختی که گزیده، میرود و بار مشکلات خویش را با بردباری بر دوش میکشد.

و اما نکته آخر. این پابندی، وی را در موقعیت خاصی قرار داده است: نوعی رعایت باید ها و بخصوص نباید های هر دو خانوادگی سیاسی که

بدانها بسته بوده. گونه ای از پاکزستی که مقید به رعایت دو رشته قاعده است و در هر دو سختگیر - همه به این امر شهادت داده اند.

اعتبار اخلاقی وی از همین سختگیری به خود در رعایت قیود برخاسته. نوعی ریاضت که در بین گروه بسیار کثیری محبوب و محترم ساخته است. این سختگیری ها که فقط اخلاقی نبوده و سیاسی هم بوده است، در میدان سیاست نیز برای وی اعتباری قابل توجه به همراه آورده است، اما در عوض دامنۀ عمل وی را نیز بسیار محدود کرده است. وسواسی که رد آنرا میتوان در تمامی حیات کشاورز صدر دید و شاهد بود که چگونه نگذاشته تمامی توانی را که داشت، از قوه به فعل بیاورد و بسیار بیش از آنچه که شد، منشأ اثر بشود.

به نظر میاید که مساعی وی در نگاه داشتن میانه بین ملیون و گروه های چپ و اصرار در همراه ساختن این دو، نوعی پافشاری در نگاه داشتن تعادل شخصیتی خودش بوده و یافتن ما به ازایی برونی برای آن. متأسفانه تاریخ چندان به وی روی موافق نشان نداده است. همراهی این دو گرایش، طی مدتی بسیار دراز که مصادف است با حیات کشاورز صدر، عملاً ممکن نبود و هنوز هم به دلیل احتراز چپ سنتی از رفتن به راه سوسیال دمکراسی، محتمل نمینماید. با شکست ملی ها و چپگرایان از اسلامگرایان، کم کم راه برای اینکار باز شد و کشاورز صدر هم در این زمینه فعال ماند، ولی میدانیم که هنوز هم موانع چندین سالۀ این کار که هم برای آزاد کردن ایران و هم ساختن آینده اش بسیار مهم است، به طور کامل از سر راه برداشته نشده است.

امروز که خودش دیگر نیست، فقط میتوان امید داشت که راهی که بدان رفت، بی رهرو نماند. هرچند کسانی که در موقعیت گام نهادن بر این راه باریک هستند، بسیار کم شمارند، ولی شاید باد موافقی که تاریخ از او دریغ کرد، بالاخره به بادبان اینها بوزد.

رامین کامران

۷ مارس ۲۰۲۰، ۱۷ اسفند ۱۳۹۸

برگرفته از سایت iranliberal.com

گزارشی از بزرگداشت خاطره هوشنگ کشاورز صدر در لندن

✖ مجلس بزرگداشت خاطره هوشنگ کشاورز صدر در روز یکشنبه شانزدهم فوریه ۲۰۱۴ در سالگشت درگذشت او در لندن برگزار شد. در این مجلس که به همت "انجمن تعاون اندیشه" و دوستان او بر پا شد، خانواده و شماری از آشنایان و همراهان وی حضور داشتند.

مجلس با مدیریت آقای فرهاد آسور و سخنان کوتاهی از وی آغاز شد. سپس آقای شهرام قنبری به ایراد سخن پرداخت و تلاشهای هوشنگ را در ایجاد و فعالیت "مرکز اسناد و پژوهش های ایرانی" در پاریس و همچنین کوشش او در باب شناخت بیشتر حیات اجتماعی جامعه ایرانی را مرور کرد.

آقای هدایت متین دفتری، دوست دیرین هوشنگ کشاورز نیز در باب فعالیتها و همکاریهای مشترک با آن روان شاد درجبهه ی ملی دوم سخن گفت.

آقای اسفندیار کریمی و خانم پرستو فروهر نیز طی سخنان کوتاهی خاطره هوشنگ کشاورز را گرامی داشتند.

در پایان مجلس نیز آقای مازیار کشاورز فرزند آن زنده یاد ضمن سخن خود بخش هایی از پیام پدر را، که به سال ۲۰۱۰ بمناسبت سالگرد روز دانشجو خطاب به دانشجویان نوشته شده بود، قرائت کرد.

گزارش فشرده ویدئویی این مراسم از طریق لینک ذیل

<http://www.youtube.com/watch?v=lwafAaGNn0k>

و گزارش مشروح ویدئویی آن از طریق لینک ذیل در دسترس است.

<http://www.youtube.com/watch?v=eSHMaQ2c8u4&feature=youtu.be>

مراسم یادبود امیرھوشنگ کشاورز صدر در میامی

” وقتی از زندگی و سرخوشی های آن لذت میبرید از من یاد کنید!“

شنبه، چهارم ماه مه (۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۹۲) ، مراسم یادبود و گرامیداشت امیرھوشنگ کشاورز صدر در شهر میامی در ایالت فلوریدای امریکا برگزار شد. کانون فرهنگی ایرانیان جنوب فلوریدا، که هوشنگ کشاورز خود را عضو آن میدانست و بارها در برنامه های آن حضور یافته بود، بانی این مراسم بود. مراسم مزبور همراه با اجرای موسیقی، گفتارهای گوناگون از خاطرات دوستداشتنی با او، و نشان دادن فیلمهایی در ارتباط با وی همراه بود. هوشنگ کشاورز در زمان بیماری طولانی اش گهگاه با شوخ طبعی همیشگی خود از همراهانش میخواست که بعداز مرگش به عزا داری نپردازند و بجای آن با شادی شعر و موسیقی و لذت های زندگی او را بیاد آورند. بدین دلیل، نشست مزبور که خواست او را در بر داشت، از لطف ویژه ای برخوردار بود که همه را بشدت تحت تاثیر قرار میداد.

گرداننده و نخستین سخنران این مراسم خانم دکتر ژیلای رضائی، پژوهشگر و از فعالین حقوق بشر بود. وی در سخنرانی خود یاد آور شد که: ” دکتر کشاورز معلمی بود بی بدیل و فراموش نشدنی. دانش عمیق او در زمینه های جامعه شناسی، تاریخ، و ادبیات اندوخته ای بود در عرصه ی وسیع خرد پرسش گرا. توانایی کم نظیری داشت در ایجاد مشارکت های فکری و عملی. جهان بینی او متکی بر کرامت انسان بود، و با تکیه به لزوم حکومت قانون و عدالت اجتماعی، این کرامت و حرمت را تعریف میکرد. دانش و تعریف او از کرامت انسان فقط یک دانش آکادمیک نبود، بلکه تجربه ای عملی بود که در لابلای نوشته ها، صحبت ها، و از طریق عدسی دوربین عکاسی اش به تصویر کشیده میشد. مهم تر این که او زندگی خویش را وقف پاسداری از انسان و حرمت انسان میکرد، و در این راه، از پرداختن هیچ بهائی دریغ نداشت.“

سخنران دیگر این مراسم آقای دکتر مسعود نقره کار، نویسنده ی سرشناس، پژوهشگر، و پزشک روانشناس بود که در باره ی نقش هوشنگ

کشاورز در مبارزه علیه روشنفکر ستیزی در میان ما ایرانیان سخن گفت. او از هوشنگ کشاورز به عنوان روشنفکری که قدم و قلم در این راه گذاشت، یاد کرد و سخنان کوتاه اش را با شعرا حمد شاملو، بنام "افق روشن"، که هوشنگ کشاورز آن را دوست می داشت، و با سطوری چنین شروع میشود، پایان داد:

روزی ما دوباره کبوترهای مان را پیدا خواهیم کرد،
و "مهربانی" دست "زیبایی" را خواهد گرفت.

روزی که کم ترین سرود
بوسه است؛

و هر انسان

برای هر انسان

برادری است.

روزی که دیگر درهای خانه شان را

نمی بندند:

قفل

افسانه ای است،

و قلب برای زندگی بس است....

آنگاه، بعد از نقل خاطرات و شعرخوانی و بیانات چندی دیگر از حاضران پیرامون مبارزات مداوم میهن پرستانه و خدمات فرهنگی هوشنگ کشاورز و دانش ژرف او در زمینه ی مردم شناسی و بافت جامعه ی ایران، و بویژه میزان عشق و علاقه ی او به وطن و مردمان آن، آقای مازیار کشاورز، فرزند هوشنگ کشاورز، در باره ی خصائل اخلاقی پدرش سخن گفت و یاد آور آن شد که چگونه انسان در مقابل او جز خوب بودن راه دیگری برایش باقی نمی ماند. پدر برای او همیشه یادآور این ویژه گی اخلاقی بود که انسان به "خوب باقی ماندن" باید پایدار بماند، و این جنبه از خصوصیات پدر پیوسته مشوق او و خواهرش "بهاره" در همه ی عمر بوده است.

در این برنامه، برای اولین بار، ده ها اسلاید از کارهای عکاسی هنری هوشنگ کشاورز به همراه موسیقی ایلاتی بسیار زیبای مورد علاقه ی او به نمایش گذاشته شد، که در هر یک از آنها مهارت، استادی، ذوق بسیار لطیف و طبع زیبا پسند او در موضوع های انتخابی اش به نحو بسیار حیرت انگیزی نمایان بود.

همچنین، فیلمی نادیده از هوشنگ کشاورز، حاوی سخنان او پیرامون مشروطیت و نقش شریعت در آن، که در ماه های آخرین عمرش از او گرفته

شده بود، یاد گرامی اش را بیشتر ملموس میکرد. در کنار نمایش
فیلمی در باره‌ی ایران، میزهای کتاب، عکسهای او در مقابل صحنه‌ی
منور به نور شمع های فراوان، و نیز شنیدن موسیقی و آهنگهای
معروفی چون "همراه شو عزیز" (شعر از برزین آذر مهر)، "از خون جوانان
وطن" (عارف قزوینی) و "میهن ای میهن" (اقبال لاهوری)، که بصورت
زنده اجراء گشت، این برنامه‌ی بیاد ماندنی را به یادبودی ویژه
مبدل ساخته بود.

سپاسگزاری

بدین وسیله از همکاران دوستان عزیزی که از گوشه و کنار دنیا، ما را
در این ایام دشوار از دست دادن یار، همسر و پدر مهربانمان،
هوشنگ کشاورز صدر، همراهی کرده و در این اندوه جانکاه با ما سهیم
بوده اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنیم.
دست و زبان ما از ادای پاسخ به محبت های بیکران شما کوتاه است.
موج همدلی و همدردی یکایک شما، به راستی نشان داد که نهال مهر و
دوستی که هوشنگ در همه عمر، چون باغبانی عاشق، از آن مراقبت کرده
بود، بی ثمر نبوده است.

زریون، مازیار و بهاره کشاورز صدر

گزارش مجلس یادبود در پاریس

گزارش مجلس یادبود هوشنگ کشاورز صدر در پاریس

مجلس یادبود زنده یاد هوشنگ کشاورز صدر، روز یکشنبه دهم مارس
۲۰۱۳ از ساعت چهار تا هفت عصر در پاریس برگزار شد. جمع کثیری از
دوستان و دوستان هوشنگ کشاورز، از کشورهای گوناگون، در این
مراسم حضور پیدا کرده بودند.

پیش از آغاز سخنرانی ها مجموعه ای از عکس های فردی و جمعی وی نمایش داده و آخرین سخنرانی وی در دانشگاه یورک کانادا پخش شد.

اداره این مجلس بر عهدۀ شاگرد و دوست دیرین او علی رضوی بود. او از آشنائی خود با هوشنگ کشاورز چنین یاد کرد:

هوشنگ را اولین بار، چهل و اندی سال پیش، در کلاس درس انسانشناسی در دانشگاه تهران دیدم و اندکی بعد در زمرۀ دستیاران او در بخش تحقیقات عشایری مؤسسۀ تحقیقات اجتماعی همان دانشگاه درآمدم، تا آنزمان که توفان انقلاب دفتران همکاری را بست.

وقت برشمردن خصوصیات که از او انسانی شریف و دوستی شفیق و جهانی بی سکون ساخته بود، از زبان من در اینجا، میسر نیست؛ ولی خوشبختانه تنی چند از دوستانش، در فرصت اندک موجود، این کمبود را حتی الامکان جبران خواهند کرد.

و پس از توصیف کوتاهی از ویژگی های شخصیت هوشنگ، رشتۀ کلام را به سخنرانانِ مجلس سپرد.

سخنرانان هر یک در زمان کوتاهی که در اختیار داشتند جنبه هائی از خصائل او را برشمردند و یاد او را زنده کردند. فهرست نام سخنرانان به ترتیب حروف الفبا از این قرار بود:

نعمت آزرم
ابوالحسن بنی صدر
حیدر تبریزی
میهن جزنی
ویدا حاجبی
مهدی خانبا با تهرانی
حمید ذوالنور
مجید رهنما
سعید سنجابی
الویا شیبانی - رستروپو
پرستو فروهر
کریم لاهیجی
هدایت متین دفتری
مهدی ممکن

پس از این سخنان، بخش هائی از پیام های رسیده از جانب آقای ادیب

برومند از ایران، خانوادۀ شادروان شایگان، آقای سیروس بینا و پژوهشگاه بین المللی تاریخ اجتماعی در امستردام به آگاهی رسید.

و در پایان مازیار کشاورز، فرزند هوشنگ، از همدردی گستردۀ ایرانیان در این فقدان و حضور دوستان او در این مجلس سپاسگزاری کرد و تصویری از راه و روش و کردار پدر در زندگی اجتماعی و کوشش های مادر در تربیت فرزندان را برای حاضران ترسیم کرد.

مجلس یادبود زنده یاد هوشنگ کشاورز صدر در ساعت هفت عصر به پایان رسید.

{youtube height="380"}2WPywaz4bWs{/youtube}

{youtube height="380"}PZa5Lw_i0Ns{/youtube}

{youtube height="380"}WQ_jlCSyM1A{/youtube}

فیلم های بزرگداشت هوشنگ کشاورز در استکهلم

مراسم بزرگداشت امیر هوشنگ کشاورز صدر، چهره برجسته جنبش آزادی خواهی ایران روز یکشنبه ۲۴ فوریه سال جاری در استکهلم برگزار شد. در این مراسم که به همت تعدادی از یاران و دوستان نزدیک کشاورز

صدر برگزار شده بود تعداد قابل توجهی از فعالان جمهوری خواه از طیفهای گوناگون ملی، چپ دمکرات و دین باوران عرفی شرکت کرده بودند. همچنین در این مراسم تعدادی از فعالان فرهنگی و هنری و اجتماعی شهر استکهلم حضور داشتند.

{youtube height="380"}Qy_tGnX4xWo{/youtube}

{youtube height="380"}H-0wNgUSE1w{/youtube}

{youtube height="380"}gHtq5W9nYA0{/youtube}